

Umberto Eco, *Art and Beauty in the Middle Ages*, Translated by Hugh Bredin, Yale University Press, New Haven and London, 1986.

در کتاب هنر و زیبایی در قرون وسطی، فهمی تازه و عمیق از هنر آن دوران ارائه می‌شود. در این کتاب اکو با تحلیل قراردادهای نشانه‌شناختی مناسبات عمیق حاکم بر دنیای اثر را کشف می‌کند و رمزهای آن را آشکار می‌سازد. در جای جای کتاب مناسبت میان تصویر و تصور با دال و مدلول و لفظ و معنا را بررسی می‌کند و خواننده به سهولت مناسبت و پیوند میان اثر و معنای آن را کشف می‌کند، به عبارتی، اگر بپذیریم که زبان هر عصر در گرو فهمیدن نظریه‌های علمی و فلسفی و هنری آن عصر است، پر بیراه نیست بگوییم که امبرتو اکو از این توانایی برخوردار است. و در این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که با علم و فلسفه و هنر آن دوران آشناست. و خواننده با مطالعه کتاب هم با آن معرفت‌ها و هم با جهان حکما و هنرمندان قرون وسطی آشنا می‌شود.

کتاب مشتمل است بر ده فصل و یک پیشگفتار و یک مقدمه و یک خاتمه. عنوان فصل اول «حساسیت زیبایی‌شناسی در قرون وسطی» است. نویسنده معتقد است که اغلب مباحث زیبایی‌شناسی قرون وسطی ریشه در دوران کلاسیک باستان دارد و دین مسیحیت ویژگی خاصی به این مباحث می‌دهد. پاره‌ای از اندیشه‌های قرون وسطی از

کتاب مقدس و میراث نیاکان نشئت می‌گیرد و همه این اندیشه‌ها با فلسفه نظم می‌یابد. با این حال، این دیدگاه تصویری مناسب و بسنده از نظریات انتقادی قرون وسطی به ما نمی‌دهد. آن هنگام که متفکران درباره زیبایی حرف می‌زدند، مقصود و غایت نظر آنان صفات الهی بود، فلسفه زیبایی و هنر به هیچ وجه با هم ارتباطی نداشت، حال آن که در دنیای کنونی ارزش بسیاری به هنر قائل‌اند. به هر تقدیر، به عقیده اکو ما با نوعی زیبایی روبه‌رو هستیم که زیبایی شناسان کوچکترین شناختی از آن ندارند.

اکو در ادامه می‌گوید که برخی می‌پنداشتند که فرهیختگان قرون وسطی هرگز کشف نکردند که چگونه فرایندهای فلسفی خود را درباره مبحث زیبایی با دانش و آگاهی‌شان از فنون هنری مرتبط سازند. اما وی می‌کوشد که بتواند در این مورد تردیدی در اندیشه و ذهن خوانندگان به وجود آورد: نخست اینکه حوزه واحدی از زبان و حساسیت در آن دوره سراغ داریم که می‌تواند هنر زیبایی را بدون هیچ مشکلی به هم پیوند دهد. دوم اینکه در قرون وسطی از هنر خود برای هدفهای آموزشی سود می‌جستند و این گونه به نوعی تجربه زیبایی شناسی دست می‌زدند.

«زیبایی متعالی» عنوان فصل دوم کتاب است. اکو در ابتدای این فصل می‌گوید که یکی از موضوعاتی که همواره در قرون وسطی درباره آن بحث می‌شد، زیبایی وجود بود. اگرچه در طول تاریخ، قرون وسطی به سان قرون تاریک و تضادهای گوناگون معروف شده است. اما فیلسوفان و متکلمان و روحانیون آن دوران تصویری سرشار از نور و خوشبختی از عالم هستی در ذهن و اندیشه خود داشتند.

«تناسب در اصول زیبایی» عنوان فصل سوم کتاب است. در این فصل آمده است که در قرون وسطی آنچه اهمیت بسیاری داشت این بود که کالبد نوعی شکل و فرم متناسب و موزون اعضا که با نوعی رنگ آمیزی ویژه ترکیب شده بود زیبایی می‌گفتند. بدین سان این نظریه ناظر است بر نظریات رواقیون و سنت کلاسیک باستان. به هر تقدیر نباید فراموش کرد که قدیم‌ترین نظریه در اصول زیبایی شناسی مربوط است به همسانی انطباق و تناسب.

فصل چهارم تعلق دارد به موضوع «نور در اصول زیبایی شناسی» بی تردید عشق دانشمندان قرون وسطی نسبت به نور و رنگ آشکارترین نشانه برای هر نوع تجربه زیبایی شناسی کیفی است. و نوشته‌های زیادی از آنان به جا مانده است که در آنها از این احساس لطیف سخن می‌گویند. اما آنچه مسلم است این است که نظریه پردازان آن دوران زیبایی را به سان چیزی درک‌پذیر در نظر داشتند و تا اندازه‌ای آن را گونه‌ای از

کیفیت ریاضی تلقی می‌کردند. این ویژگی عشق قرون وسطاییان به رنگ و نور ماهیتی ساده و بی‌پیرایه داشت. هنر تصویری آن دوران آگاهی متفاوتی از رنگ با قرون پیشین را آشکار می‌ساخت و هنرمندان این دوره خود را به رنگ‌های ساده و اولیه محدود نمی‌ساختند.

«سمبل و تمثیل» عنوان فصل پنجم است. در این فصل مؤلف می‌گوید که قرن سیزدهم میلادی شاهد طرح نظریه دیگری در زمینه بحث زیبایی شد. نظریه‌ای که در آن سعی می‌شد پدیدارشناسی‌های موجود در زیبایی جسمانی و متافیزیکی را که در اصول زیبایی‌شناسی تناسب و زیبایی شناختی نور وجود داشت ترکیب کنند. با این حال، چنانچه شرایطی که منجر به بروز این پدیدارشناسی‌ها شد بررسی شود، به جنبه دیگری از حساسیت زیبایی‌شناسی قرون وسطی پی خواهیم برد و به یقین آگاهی عمیق‌تری از این وضعیت به دست خواهیم آورد. خواهیم دید که مردمان قرون وسطی در جهانی آکنده از خاطرات اشارات و ارجاعاتی مربوط به الهیات و تجلی ذات الهی اشیاء می‌زیستند. طبیعت با آوایی رسمی با آنان به گفتگو می‌پرداخت، درست مانند یک منادی... از این رو، شیرها یا درختان فندق بیشتر از آنچه به نظر می‌آمد معنا و مفهوم داشتند.

۵۱۶

فصل ششم اختصاص دارد به «ادراک علم زیبایی‌شناسی» در این فصل مؤلف معتقد است که در قرن سیزدهم میلادی متفکران آرام آرام به واقعیت ملموس اشیا توجه می‌کردند و این کار در زمینه علمی و فلسفی صورت می‌گرفت. در مورد ادراک علم زیبایی‌شناسی دو جنبه وجود داشت که لازم بود با آن‌ها برخورد شود. از یک سو، آنچه با بی‌طرفی و منصفانه زیبا تلقی می‌شد ضرورت داشت به سان شی‌ای زیبا نیز درک شود. از دیگر سوی آثار هنری می‌باید با ادراک زیبایی‌شناسانه در ذهن آفریده شوند.

عنوان فصل هفتم «ارگانیسم در اصول زیبایی‌شناسی» است. در این فصل مؤلف به بررسی و تحلیل نظریه سن توماداکن می‌پردازد و در انتهای فصل نتیجه می‌گیرد که نظریه وی هنوز هم از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار است.

«رشد و زوال بحث ارگانیسم در علم زیبایی‌شناسی» عنوان فصل هشتم کتاب است و عنوان فصل نهم «نظریات هنری» است و فصل دهم تعلق دارد به «شهود و جایگاه هنر». در خاتمه امبرتو اکو می‌گوید که قرون وسطی به منزله زنجیری میان دوران کلاسیک باستان و دوران باشکوه رنسانس محسوب می‌شد. هنرمندان قرون وسطی دوران جدیدی که آکنده از سنتی هنری بود با جهان بینی که خودشان از هنر داشتند دستخوش تغییر ساختند.